



پیامدهای منفی کاهش جمعیت تا سال ۱۴۱۰ با تاکید بر حقوق اقتصادی جامعه ایران

حسین شفق، میلاد مرادی^۱، اصغر ایمانی^۲

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی و شناسایی پیامدهای منفی کاهش جمعیت ایران تا سال ۱۴۱۰ می‌باشد. کاهش جمعیت یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی ایران در سال‌های آینده است. بر اساس پیش‌بینی‌ها، جمعیت ایران تا سال ۱۴۱۰ به حدود ۷۰ میلیون نفر خواهد رسید. این کاهش جمعیت پیامدهای منفی بسیاری برای حقوق اقتصادی جامعه ایران خواهد داشت. بر همین اساس مسئله اصلی تحقیق پاسخ به این سؤال است که کاهش جمعیت ایران تا سال ۱۴۱۰ چه پیامدهای منفی به دنبال خواهد داشت؟ یافته‌ها نشان از آن دارد که، کاهش جمعیت کشور تا سال ۱۴۱۰ پیامدهای اجتماعی و اقتصادی منفی مختلفی را به دنبال خواهد داشت. کاهش جمعیت جوان به معنای کاهش نیروی انسانی برای آینده کشور خواهد بود. جمعیت جوان جمعیتی است که سن آن بین ۱۵ تا ۲۴ سال است. این جمعیت نیروی انسانی اصلی کشور برای آینده است. با کاهش جمعیت جوان، توانمندی‌های دفاعی و امنیتی کشور کاهش می‌یابد. علاوه بر این، کاهش جمعیت جوان می‌تواند بر فرهنگ و هویت ملی کشور تأثیر منفی بگذارد. تغییر ساختار جمعیت می‌تواند بر فرهنگ و هویت ملی کشور تأثیر منفی بگذارد. جمعیت سالخورده جمعیتی است که نیازها و خواسته‌های متفاوتی با جمعیت جوان دارد. این امر می‌تواند منجر به ایجاد شکاف بین نسل‌ها شود. برای جلوگیری از پیامدهای منفی کاهش جمعیت، باید سیاست‌های جمعیتی مناسب اتخاذ شود. این سیاست‌ها باید با توجه به شرایط و نیازهای کشور طراحی شوند.

کلمات کلیدی: کاهش جمعیت، پیامدهای منفی، اجتماعی، اقتصادی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشگاه عدالت (نویسنده مسئول) SoREST.1983@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشگاه عدالت

۳- استاد گروه حقوق دانشگاه عدالت

جمعیت منبع قدرت و رکن مهم پیشرفت و توسعه جامعه است. به همین نسبت توجه به جمعیت و کیفیت ترکیب آن و آگاهی از آسیب‌های اجتماعی و مبارزه با آنها نیز حائز اهمیت است. آسیب‌های انقلاب اسلامی بعضاً از بدو تولد انقلاب با آن همراه بوده است. بعضی آسیب‌ها هم محتمل است در آینده عارض انقلاب شود. مانند آسیب‌هایی که ممکن است از ناحیه تحول در ترکیب جمعیتی کشور در آینده به وجود آید (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۴).

از دیرباز جمعیت و رشد آن از مباحث مهم جمعیتی بوده که همواره اذهان محافل جمعیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به خود مشغول داشته و پیامدهای آن از جهات مختلف بررسی شده است. کشورها همواره در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در پی چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی افزایش یا کاهش جمعیت و تأثیرات آن هستند. آگاهی از رشد جمعیت همراه با سایر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی پایه و اساس هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه ملی است، چرا که پیش‌بینی نیازمندی‌های اولیه هر جامعه مبتنی بر آمارهای مربوط به رشد جمعیت است. می‌توان گفت از مهم‌ترین متغیرها که در برنامه‌ریزی به‌عنوان مبنای محاسبات در نظر گرفته می‌شود، جمعیت، دگرگونی آن در گذشته، حال و پیش‌بینی تحولات آن در آینده است.

با عنایت به اینکه اطلاعات اصلی جمعیت از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن قابل استخراج است و سرشماری‌ها نیز در فواصل زمانی ۱۰ یا ۵ سال یکبار انجام می‌شود، برآورد جمعیت برای سال‌های آتی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. به‌طور کلی در هر مطالعه و پژوهش شناسایی جامعه‌ی هدف و ابعاد گوناگون آن به‌عنوان گام نخست در تدوین، طراحی و برنامه‌ریزی‌های آینده از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. برای اتخاذ و انتخاب سیاست جمعیتی کشور که هماهنگ و سازگار با برنامه‌های توسعه پایدار کشور باشد، آگاهی از حجم جمعیت، توزیع سنی و جنسی آن و نیز میزان رشد سالیانه و چگونگی تغییرات آن ابزار مناسب شناخته شده‌ای هستند و هرچه دانش برنامه‌ریزان در ارتباط با جمعیت دقیق‌تر باشد، احتمال توفیق برنامه‌های توسعه افزایش می‌یابد (فتحی، ۱۳۹۹: ۳).

بر این اساس، یکی از دغدغه‌های کشورهای به‌خصوص کشور ایران، بحث کنترل جمعیت بود. این موضوع همچنان به‌عنوان یک مسئله مهم ذهن صاحب‌نظران و برخی دولتمردان را به خود مشغول ساخته است. از یک جهت ملت‌هایی که با افزایش بی‌رویه جمعیت روبرو هستند و ظرفیت و امکانات کشورهایشان توان تحمل چنین جمعیتی را ندارد از سوی دیگر کشورهایی هستند که با کنترل شدید جمعیت اکنون به موقعیتی رسیده‌اند که از نظر نیروی انسانی با مشکل روبرو شده‌اند و معلوم نیست در آینده چه سرنوشتی پیدا کنند کشور ایران را نیز نمی‌توان از این مقوله جدا نمود (امیری، ۱۴۰۱: ۷۶).

در دهه شصت رشد بی‌رویه جمعیت را شاهد بودیم و در دهه هفتاد کنترل جمعیت و در دهه هشتاد و بعد از آن شاهد کاهش شدید آن بوده‌ایم. بر اساس سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۹۰ این کاهش نگران‌کننده است و اگر به‌درستی برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود در آینده دچار انواع بحران‌ها و آسیب‌ها خواهیم شد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که روند کاهش جمعیت در دو دهه اخیر کماکان جریان دارد و تداوم آن خسارات فراوانی به کشور وارد می‌کند که قابل جبران نخواهد بود. عدم توجه به این تهدید جمهوری اسلامی را در آینده‌ای نه چندان دور با مشکلاتی از قبیل کاهش نیروی کار و تولید ایجاد بحران پیری و افزایش جمعیت و هزینه بالای نگهداری سالمندان روبرو

خواهد کرد، کاهش جمعیت جوان و با انگیزه منجر به ایجاد خلل در بنیه دفاعی کشور خواهد شد. در گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ آمده است که چنانچه روند جمعیتی ایران به این شکل ادامه یابد، جمعیت ایران در سال ۱۴۱۰ شمسی به زیر ۷۰ میلیون نفر کاهش می‌یابد؛ در حالی که تجربه چهل و چهار سال گذشته کشور هم بیانگر این است که نظام مقدس جمهوری اسلامی توانسته با بهره‌گیری از ظرفیت جوانان با انگیزه در طول هشت سال دفاع مقدس، جنگ نرم و فتنه‌های مختلف در برابر دشمنان خارجی و داخلی بایستد و متجاوزین را وادار به عقب نشینی کند. با توجه به موارد فوق این تحقیق با مدد از روش‌های علمی به بررسی پیامدهای کاهش جمعیتی ایران پرداخته و سعی می‌نماید تا با ارائه تصویری روشن از روند کاهش جمعیت کشور راهکارهای مناسبی را برای تدابیر سیاست‌های جمعیتی ارائه نماید.

۱- مبانی نظری

در بخش‌هایی از آموزه‌های اسلامی و دیدگاه صاحب‌نظران به مسئله افزایش جمعیت یا کاهش آن پرداخته شده است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا؛ و فرزندانان را از ترس فقر نکشید ماییم که آنها و شمارا روزی می‌دهیم. مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است. (سوره اسراء آیه ۳۱).

رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص) می‌فرماید: «تناكحوا و تناسلوا تكثروا إني أباهي بكم الأقم يوم القيامة علي بالسقطه؛ ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من به فزونی جمعیت شما حتی به فرزندان سقط شده در قیامت به دیگر امتهای مباحات می‌کنم.» (کلینی، ۱۴۱۵ ه، ج ۵: ۳۳۳-۳۳۴).

«الكارهبانية في الإسلام تزوجوا فإني مكابر بكم الأمم؛ رهبانیت در اسلام نیست ازدواج کنید! من به فزونی عدد شما بر ملت‌های دیگر مباحات می‌کنم» (نعمان بن محمد تمیمی، ۱۴۱۷ ه: ۴۸۴).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اکثروا الولد اکثر بكم الأمم غداً. فرزند را زیاد کنید در فردا ای قیامت من به شما بر دیگر امتهای خود می‌بالم.» (کلینی، ۱۴۱۵ ه، ج ۶: ۲).

لذا، دین مبین اسلام طرفدار جمعیت مطلوب و مناسب معرفی کرده و در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که به موضوعات مهم جمعیتی از جمله ازدواج و خانواده (آیه ۱۱ سوره مبارکه شورا و آیه ۱۱ سوره مبارکه فاطر) کمیت جمعیت (آیات ۶ سوره مبارکه نوح و ۱۲ سوره مبارکه اسراء) و کیفیت جمعیت آیات متعدد قرآن مانند ۳۳ سوره نور ۲۳۳ سوره بقره و ۱۵ سوره احقاف) پرداخته شده است که هر کدام به نوعی مسئله جمعیت را نفی یا اثبات نموده است.

جولیان سیمون، اقتصاددان معروف دانشگاه مریلند که بر اساس مطالعات خود عقایدی علیه برنامه‌های کنترل جمعیت داشت در جهت عکس جریان غالب رسانه‌ای و سیاسی غرب؛ که خواستار کاهش جمعیت جهان است. حرکت می‌کرد. او رشد جوامع انسانی را یک بلا تصور نمی‌کرد بلکه آن را منبع نهایی می‌پنداشت. او در سال ۱۹۸۱ کتابی به همین نام منتشر ساخت و به تشریح نظریات خود در مورد دفاع از افزایش جمعیت پرداخت. او می‌گوید: «با افزایش جمعیت کره زمین استانداردهای زندگی نیز به موازات آن افزایش یافته است. او می‌افزاید: «با افزایش درآمد و جمعیت

کمبودهای شدید کمتر رخ داده است قیمت‌ها کاهش یافته و دسترسی به منابع افزایش یافته است. از نظر سیمون موج افزایش جمعیت از نظر تاریخی همیشه گذرا بوده است؛ اما نکته مهم این است که همیشه افراد بیشتری را برای حل مشکلات گردهم آورده‌اند. سیمون در کتابش به شواهد تاریخی مختلف که مؤید نظرات اوست اشاره کرده است. از دیگر دانشمندان مخالف برنامه‌های کاهش جمعیت می‌توان به دکتر جا کلین کاسون از دانشگاه هامبورگ اشاره کرد که کتابی با عنوان افسانه اضافه جمعیت سیاره در سال ۱۹۸۸ از ایشان منتشر شده است. کاسون در این کتاب خطرات تبلیغ شده ناشی از افزایش جمعیت کره زمین را چیزی بیش از افسانه نمی‌داند (جاکلین کاسون، ۲۰۰۵: ۱۹۸).

چین در سرشماری سال ۲۰۱۰ حدود یک میلیارد و ۳۷۰ میلیون نفر جمعیت داشته است و رشد اقتصادی سریع چین موجب شده تا صدها میلیون نفر از فقر نجات پیدا کنند. چین در سال ۲۰۱۳ دومین اقتصاد بزرگ دنیا پس از ایالات متحده بوده است (والتون جرج، ۲۰۱۱: ۲۸۷).

در پی ریزی اقتصاد مدرن چین یکی از سریع‌ترین رشد اقتصادی دنیا را داشته است. این کشور هم اکنون بزرگترین صادرکننده و دومین واردکننده بزرگ کالا است، دومین اقتصاد بزرگ دنیا بر پایه تولید ناخالص داخلی را در اختیار دارد و عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و سازمانهای چند جانبه ای همچون سازمان تجارت جهانی اپک، سازمان همکاری شانگهای و گروه ۲۰ است. چین کشوری دارای سلاح هسته‌ای و بزرگ‌ترین ارتش دائمی دنیا می‌باشد. این کشور از سوی برخی از دانشگاهیان و تحلیل‌گران نظامی - اقتصادی یک ابر قدرت بالقوه لقب گرفته است (صدیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۹-۴۰).

کمیته خطر جاری، از زمان تأسیس تاکنون رسالت اصلی خود را شناسایی مهم‌ترین خطرات پیش روی دولت آمریکا و بررسی نحوه مقابله با آن اعلام کرده است. به نحوی که امروزه مرکز ثقل فعالیت خود را مقابله با قدرت نوظهور منطقه‌ای، یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران، قرار داده و در همین راستا به طراحی پروژه‌ای اقدام کرده که به «پروژه دلتا» یا همان جنگ نرم مشهور شده است. تأکید پژوهشگران کمیته خطر جاری به دولتمردان آمریکایی، امتناع از ورود به عرصه جنگ سخت و حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. آن‌ها با ارائه تحلیلی واقعی از عناصر قدرت ملی و دفاع همه جانبه ایران در مقابل هرگونه تحرک نظامی جنگ سخت را فاقد کارایی لازم دانسته و تصمیم‌گیران دولت آمریکا را به اتخاذ الگوی تقابل با جنگ نرم و فروپاشی از درون ترغیب می‌کنند (دلاورپور اقدم، ۱۳۸۸: ۲۹).

مارک پالمر معمار طرح دلتا و از اعضای برجسته این کمیته و چهره با نفوذ دستگاه سیاست خارجی آمریکا گفته است: «ایران» به لحاظ وسعت سرزمینی کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و هارتلند نظام بین‌الملل به قدرتی کم بدیل تبدیل گردیده که دیگر نمی‌توان با یورش نظامی، آن را سرنگون کرد؛ بنابراین روشن است که اندیشه‌های مرتبط با دشمنان اسلام و ایران به دقت دو مفهوم کمیت جمعیت و کیفیت نیروی انسانی مردم ایران را رصد می‌کنند و کاهش جمعیت ایران، یکی از آرزوهای دیرینه آنان می‌باشد (علی محمدی، ۱۳۹۵: ۶۷).

کاهش جمعیت و جایگزینی آن در کشور نه تنها در حوزه اقتصاد ضربات سنگینی را وارد خواهد کرد، بلکه در عرصه امنیتی و نظامی و سیاسی نیز کشور را با مشکل مواجه خواهد ساخت. از یکسو جمعیت سالمند کشور در حال افزایش است که این امر موجب خواهد شد که چتر حمایتی دولت در خصوص بیمه بازنشستگی تأمین اجتماعی و...

افزایش یابد که به معنای باری مضاعف بر دوش بخش اقتصادی دولت است که با وجود ۴۷ درصد سالمند در ۸۰ سال آینده، بخش عظیمی از قوای اقتصادی کشور صرف تأمین هزینه‌های حمایتی مذکور خواهد شد. این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که پایین آمدن نرخ رشد جمعیتی به معنای کاهش نیروی کار است و این به معنای وارد کردن نیروهای کار و تکنسین‌ها از سایر کشورهای جهان است که خود راه دیگری برای گسترش فرهنگ بیگانه در کشور خواهد بود و علاوه بر این نکته باید به خروج ارز و تبعات اقتصادی آن نیز توجه کرد. به هر صورت، روند فعلی جایگزینی جمعیتی در کشور به هیچ عنوان راضی کننده و منطقی نیست و باید دولت از بسته‌های تشویقی خود در این زمینه استفاده کند، هر چند در نگاه کلانتر تنها استفاده از مشوق‌ها نمی‌تواند کارساز باشند و باید مدیران اجرایی با همت و کار بیشتری زمینه‌های رفاهی اجتماعی، اقتصادی را در سراسر کشور به وجود آورند تا دیگر بهانه‌ای از سوی خانوارها برای کنترل درونی موالید وجود نداشته باشد. چرا که نمونه‌های نامتوازن تشویقی دولت‌های نهم و دهم در این زمینه را شاهد بوده‌ایم که تأثیر چشمگیری نداشت. مقام معظم رهبری هم با تعدیل جمعیتی در زمان حاضر مخالف بوده و در این زمینه با مسئولین فرمایشاتی بیان داشتند. ایشان در خصوص جمعیت اظهار کردند که: «امن معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم می‌تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیت هر اقدام و تدبیری که می‌خواهند برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد باید این نکته را گوشزد نمود که اگر روال بر همین منوال پیش رود تمام ملت ایران باید تبعات سنگین، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی را در درازمدت بپردازند و در این قضیه تمام مردم ایران به ویژه مسئولین مقصرنند. این اتفاق، ورود ایران به نخستین فاز بحران جمعیت می‌باشد (بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰/۵/۱۶).

لذا ضروری است که مسئولین به فکر مسئله استراتژیک جمعیت باشد و مدیران و کارشناسان سیاست‌های افزایش جمعیت رهبری نظام را با جدیت بیشتری در سرلوحه کاری خود قرار دهند که بی توجهی به این مسئله تبعات بسیار گسترده‌ای دارد.

۲- عوامل مؤثر بر کاهش جمعیت (فرزندآوری)

۲-۱- علل فرهنگی

۲-۱-۱- تبلیغات گسترده بر ضد فرزند زیاد

سیاست‌های کنترل جمعیت تمامی وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، رادیو، روزنامه و...) را به منظور کاهش رشد جمعیت به کار گرفته است. این رسانه‌ها با پخش برنامه‌های هدفدار، ارزش‌های جدیدی را در مردم به وجود می‌آورند و آن‌ها را برای کنترل جمعیت و یا تنظیم خانواده تشویق می‌کنند. رسانه‌ها در انتشار این امور سهم بزرگی داشته‌اند. سیاست‌های کنترل جمعیت، به صورت قصه یا جمله‌هایی در پوسته‌های رنگارنگ درآمده و یا از طریق سریال‌های تلویزیونی و یا ترانه‌هایی مربوط به آن منتشر می‌شود (مشفق، ۱۳۹۳: ۹۹).

در این چندسال هرچا را نگاه کردیم، از شیشه آلبیمو و قوطی کبریت گرفته تا بنرهای گسترده در سطح شهر، همگی یک چیز را تبلیغ می‌کردند: فرزند کمتر، زندگی بهتر. از سوی دیگر، وزارت بهداشت و سازمان بهداشت جهانی در دورافتاده‌ترین روستاها آموزش‌های جدی تنظیم خانواده به اجرا گذاشت و عقیم‌سازی مردان و زنان را رایگان کرد و

نظام آموزش عالی درس «تنظیم خانواده و جمعیت» را در دانشگاه‌ها دایر نمود و تلویزیون فیلم‌هایی را که بیشتر الگوی خانواده جوان را خانواده‌ای با یک یا دو فرزند معرفی می‌کردند، پخش نمود (سبحانی نیا، ۱۳۹۱: ۱۵).

۲-۱-۲- تبدیل شدن تک فرزندی و یا بی فرزندی به یک فرهنگ مدرن

متأسفانه تک فرزندی و یا بی فرزندی به یک فرهنگ مدرن تبدیل شده و مورد استقبال بسیاری از زوج‌های جوان قرار گرفته است. بسیاری از افراد ثروتمند و یا دانشجویان فرهیخته که ازدواج کرده‌اند، تمایلی به بچه دار شدن ندارند. حتی نداشتن بچه را نوعی برتری اجتماعی می‌دانند و داشتن فرزند زیاد را در خانواده‌هایی که سطح تحصیلات بالایی دارند، نوعی ناآگاهی قلمداد می‌کنند. جوانان ما فکر می‌کنند داشتن فرزند یعنی بی‌سواد یا بی‌فرهنگی و عقب‌ماندگی. آن‌ها فرزند را مانع پیشرفت تحصیل و زندگی خود می‌دانند. همین افکار باعث شده سن باروری و کاهش تمایل زوجین برای بچه دار شدن و مادر بودن کاهش یابد. بنابر تحقیقی که یکی از جامعه‌شناسان انجام داده، مشخص شده است نسل اول کمتر از ۵ فرزند نداشته‌اند؛ یعنی از ۱۰ فرزند شروع می‌شد تا ۵ فرزند. نسل دوم بین ۲ تا ۴ فرزند داشتند و اما نسل سوم که زنان جوان هستند، ۶۰ درصد آن‌ها علاقه‌ای به بچه دار شدن نداشته و تنها ۵ درصدشان بچه داشتند. بیشتر آن‌ها از نبود امکانات و نداشتن شرایط لازم برای بچه‌دار شدن صحبت می‌کنند و علاقه چندانی به بچه‌دار شدن نشان نمی‌دهند. در واقع، نسل جدید، یا فرزند ندارند یا به تک فرزندی اعتقاد دارند (سبحانی نیا، ۱۳۹۱: ۱۵).

مطرح کردن امور بهداشتی، یکی از راه‌های کنترل جمعیت در کشورهای اسلامی، مطرح ساختن امور بهداشتی است. یکی از اهداف اعلام شده این سیاست، تقلیل زایمان می‌باشد که احتمال مرگ و میر مادران و نوزادان شیرخوار را کاهش می‌دهد. دنبال کنندگان این سیاست، با طرح این مسئله که رابطه‌ای بین افزایش جمعیت و مرگ و میر (در سطح مرگ و میر نوزادان شیرخوار یا مرگ مادران به خاطر بارداری) وجود دارد، مردم را برای به کارگیری وسایل جلوگیری از بارداری متقاعد می‌سازند. سازمان جهانی یونسکو، به منظور ترویج سیاست‌های کنترل جمعیت در میان مردم که در نتیجه، کاهش جمعیت را به دنبال دارد، مجموعه‌ای از کتاب‌ها و نشریه‌هایی را در همین زمینه منتشر کرده که در کشورهای اسلامی، مدارس ملی تدریس اینگونه کتاب‌ها و نشریه‌ها را به عهده گرفته‌اند (حسینی طهرانی، ۱۳۷۵: ۹۸-۹۹).

درحالی که سلامت بدن زن، در زاییدن و حامله شدن و شیر دادن است. مطابق آخرین نتیجه کنگره‌های پزشکی که در آمریکا برگزار شده است و طبق آخرین مدارک و آمار، دخترانی که پیش از ۱۸ سالگی زایمان کنند سرطان پستان نمی‌گیرند و هرچه دیرتر بچه بزایند، درصد خطر تهدید سرطان پستان در آن‌ها زیاد می‌شود و از سن سی سالگی که بگذرند، خطر سرطان پستان به نحو مضاعف بالا می‌رود. اما زنانی که اصلاً ازدواج نکنند و بچه نیاورند، درصد خطر سرطان پستان در آن‌ها سرسام آور است (حسینی طهرانی، ۱۳۷۵: ۴۴).

۲-۲- علل اجتماعی

۲-۲-۱- بزهکاری اجتماعی

بعضی زوجین به دلیل مشکلات تربیتی، از داشتن فرزند امتناع می‌ورزند. بیماری‌ها، اختلالات روانی، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی، از جمله عواملی هستند که والدین را از داشتن فرزند زیاد بازمی‌دارند. آن‌ها نگران هستند که مبدا

فرزندانشان به این مسائل دچار شوند. وقتی که مسئولان بهداشت، آمار و ارقام وحشتناکی از مشکلات روحی و روانی کودکان و نوجوانان یا آنهایی که دست به خودکشی می‌زنند اعلام می‌کنند، می‌گویند که همه اینها تقصیر پدر و مادر است. در نتیجه، والدین دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند و از داشتن فرزند صرف نظر می‌کنند، و آمادگی خود را از دست می‌دهند؛ چراکه داشتن یک فرزند و به عهده گرفتن مسئولیت کامل جسمی و روانی او و بزرگ کردنش به صورت انسانی کارآمد، هماهنگ با اجتماع و مسئولیت پذیر و مفید برای جامعه، باری بسیار بزرگ را به دوش والدین می‌گذارد. والدین هم با دیدن چنین مشکلاتی، از داشتن تعداد زیاد فرزند خودداری می‌کنند (سبحانی نیا، ۱۳۹۱: ۱۶). اما وجود جرائم در جامعه هیچ گاه به دلیل جمعیت زیاد نیست؛ زیرا در اغلب کشورهای غربی که با کاهش جمعیت نیز مواجهند، آمار جرائم و جنایات، بسیار بالا و گاه تا ۵۰ برابر کشورهای پرجمعیت جهان سوم می‌باشد. و اگر هر فرد از جمعیت هر کشور را انسانی هوشمند با قابلیت جسمی و فکری مناسب بدانیم که خود در تولید کشورش نقش مؤثر خواهد داشت، برداشت مثبتی نسبت به جمعیت پیدا خواهیم کرد.

۲-۲-۲-۲- رواج دیدگاه‌های فمینیستی

فمینیسم عمده‌ترین عامل بدبختی و تبعیض زنان و دختران را کانون خانواده و ازدواج و مادرشدن می‌داند. از نظر آن‌ها، پابندی زنان به مسائل خانوادگی و تعهد زنان نسبت به ازدواج و تربیت فرزندان، باعث نابودی حقوقشان و بدبختی آن‌ها در طول تاریخ بوده است. بنابراین، زنان برای رهایی از این بدبختی و عقب ماندگی نباید ازدواج کنند؛ چراکه آنها اعتقاد دارند زن تمام وقتش را برای خانواده و تربیت فرزندان می‌گذارد و برای خود وقتی نمی‌ماند. آنچه باعث استقلال فکری و شخصیتی زنان و رشد اجتماعی آن‌ها می‌شود، دوری از روابط خانوادگی و بنیان‌های خانواده است. وقتی نهاد خانواده از سوی فمینیست‌ها فاقد ارزش تلقی می‌شود، مطمئناً نقش‌های سنتی پدر و مادر در خانواده و تربیت فرزندان کم ارزش به شمار می‌آید. فمینیست‌ها نقش پدر و مادر را در خانواده و اجتماع زیرسؤال برده‌اند. از دیدگاه آن‌ها، نقش مادر در خانواده و تربیت فرزندان از ارزش و اعتبار زن در اجتماع می‌کاهد و باعث می‌شود زن از رشد اجتماعی و پیشرفت همپای مردان باز ماند. به باور فمینیست‌ها، ارزش زن و اعتبار واقعی آن در نقش مادری دلسوز برای فرزندان نیست، بلکه در میزان کارکرد اجتماعی و فعالیت‌های عمومی وی در جامعه است. متأسفانه رواج نگاه فمینیستی در طبقات گوناگون زنان جامعه و حتی نفوذ آن در قشر مذهبی کشور، سبب شده تا بسیاری از زنان از زیر بار مادر شدن شانه خالی کنند و مواردی نظیر کار، فعالیت‌های اجتماعی، پیشرفت، تحصیلات و... را بهانه این امتناع قرار دهند (سبحانی نیا، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۷).

آن‌ها تلاش می‌کنند زنان را متقاعد کنند که زایمان، زیبایی و سلامتی زن را به خطر می‌اندازد. تردیدی نیست که حرکت زنان در کشورهای اسلامی که راه فرهنگ غرب را در پیش گرفته‌اند، زنان مسلمان را به سمت الگوهای فرهنگی غرب می‌کشاند.

۲-۲-۳- اشتغال زنان

امروزه بسیاری از زنان در سازمان‌ها، ادارات، مراکز دولتی و خصوصی مشغول کار هستند و برخی هم در مشاغلی اشتغال دارند که غیرضروری و غیرمرتبط و در حیطه و مسئولیت مردان است. این مشاغل که هیچ سنخیتی با جسم و روح زن ندارد، به دست زنان افتاده است. این موضوع باعث شده زنان بیشتر در خارج خانه مشغول به کار باشند.

حتی شاغل بودن، یک ارزش برای آنان شده است، به گونه‌ای که زنان شاغل به زنان خانه دار که مشغول تربیت فرزند هستند فخرمی‌فروشند و خود را یک سر و گردن بالاتر از آنان می‌دانند. از این رو، این زنان به خاطر ترس از دست دادن کار و موقعیت اجتماعی خود، پا بر روی میل مادری خود می‌گذارند و تنها به یک فرزند فکر می‌کنند. اسلام با کار و فعالیت‌های اجتماعی زنان مخالف نیست؛ اما این را نیز نمی‌پسندد که زنان از صبح تا شب به فکر تأمین معاش باشند و زمان و حوصله کافی برای تربیت و رسیدگی به فرزندانشان که اولویت اول آنان می‌باشد نداشته باشند. اسلام با تقسیم کار و واگذاری تربیت فرزندان به زنان و ملزم کردن مردان به تأمین هزینه اقتصادی همسر و فرزندان، هرگونه اجباری را از زنان برداشت تا آنان بدون هیچ نگرانی و اضطراب خاصی به فکر تربیت و وظیفه اصلی خود باشند. برخلاف دنیای مدرن که به زنان، به اصطلاح آزادی داد و خواست آنها را از بردگی در خانه رهایی بخشید؛ غافل از آنکه زن به بردگی مدرن و فشار کار مضاعف سپرده شد (سالاری مقدم، ۱۳۹۰: ۲۷).

۴-۲-۲- شهرنشینی

سیاست‌های جمعیتی تابعی از الگوهای توسعه است. الگوی زندگی شهرنشینی نیز متناسب با سیاست افزایش جمعیت می‌باشد. شیوه زندگی آپارتمان نشینی که اکنون در کشور با آن مواجه هستیم با سیاست کاهش جمعیت تطبیق دارد. اکنون ۷۱ درصد جمعیت کشور در شهرها و ۲۹ درصد در روستاها زندگی می‌کنند که این آمار، توازن را نشان نمی‌دهد. در حالی که چهار دهه قبل، این ترکیب جمعیتی برعکس بود؛ یعنی فقط ۳۰ درصد جمعیت کشور شهرنشین بودند. بررسی آمار و اطلاعات جمعیتی کشور در طول نیم قرن اخیر حاکی از آن است که رشد جمعیت ایران بیشتر معطوف به مناطق شهری کشور بوده است؛ به گونه‌ای که عملاً جمعیت مناطق روستایی افزایش نیافته و حتی در بعضی مناطق روستایی، جمعیت با رشد منفی مواجه بوده است و مواردی را نیز می‌توان یافت که روستاها خالی از سکنه و تبدیل به مناطق متروکه شده است. تعداد شهرها از سال ۱۳۳۵ از ۲۰۱ شهر، به ۱۳۳۱ شهر در سال ۹۰ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران: ۱۳۹۱).

سیاست‌های غلط دولت‌ها سبب شده که بسیاری از روستاییان کار پرزحمت بر روی زمین و در کنار دام را رها کرده و در جستجوی رفاه بیشتر و کار کم زحمت‌تر در ادارات، سازمان‌ها و حتی مشاغل کاذب، به شهرها مهاجرت کنند که این امر، تورم جمعیت در نقاط خاص را به دنبال دارد. عامل اصلی رشد شهرنشینی در ایران، مهاجرت از روستا به شهر بوده است و از آنجا که اغلب مهاجران را جوانان تشکیل می‌دهند، توسعه شهرنشینی در ایران، با سالخوردگی جمعیت در روستاها همراه بوده است (وشمگیر، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

یکی از عواملی که سبب کاهش باروری می‌شود وجود و گسترش شهرنشینی است؛ چراکه آمارها تفاوت ۱/۵ تا ۲ بچه را میان خانوار شهری و روستایی نشان می‌دهد. بنابراین، از دید طرف داران کنترل جمعیت، رشد شهرنشینی یکی از عوامل کاهش باروری جامعه است.

۵-۲-۲- افزایش سن ازدواج

سن ازدواج برای مردان و زنان، نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته و به میانگین ۲۷/۲ سال برای مردان و حدود ۲۳ سال برای زنان رسیده است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۱).

ناگفته پیداست که غریزه جنسی و نیاز به محبت و عاطفه مادری، از جمله علل و انگیزه‌های اصلی گرایش انسان به ازدواج و تشکیل خانواده است. از این رو، جوامع انسانی در طول تاریخ برای پاسخ گویی به نیازهای جنسی و عاطفی بیشتر، به ازدواج و تشکیل خانواده روی می‌آورند. حال اگر نیازهای مذکور از راهی آسان‌تر، کم هزینه‌تر، متنوع‌تر و با کمترین مسئولیت فردی و اجتماعی تأمین و تدارک شود، بدیهی است که ازدواج و تشکیل خانواده، دست کم در بدو امر، مطلوبیت خود را از دست می‌دهد. دیر ازدواج کردن و مسئولیت سنگین تشکیل خانواده، باعث می‌شود شمار مجردان زیاد شود. در نتیجه، وقتی سن ازدواج بالا رود فرصت زمانی برای باردار شدن کم می‌شود و تعداد فرزندان پایین می‌آید. یکی از اهداف اجتماعی کنترل جمعیت، محدود کردن ازدواج‌ها و کشاندن بی رویه زنان به صحنه اجتماع و فعالیت‌های اقتصادی و در یک کلام، نابود کردن بنیاد خانواده و ایجاد فساد اجتماعی است (سوختانلو و رحمت آبادی، ۱۳۹۲: ۵۷).

افزایش طلاق در زندگی جدید، در گذشته کمتر درباره طلاق و عوارض سوء آن و علل پیدایش و افزایش طلاق و راه‌های جلوگیری از وقوع آن فکر می‌کردند. در عین حال، کمتر طلاق صورت می‌گرفت و کمتر خانواده‌ها از هم می‌پاشیدند. مسلماً تفاوت دیروز و امروز در این است که امروز علل طلاق فزونی یافته است. زندگی اجتماعی شکلی پیدا کرده است که موجبات جدایی، تفرقه و ازهم گسستن پیوندهای خانوادگی بیشتر شده. در هر کجا که آداب و رسوم جدید غربی بیشتر نفوذ کرده، آمار طلاق هم افزایش یافته است. مثلاً، اگر ایران را در نظر بگیریم، طلاق در شهرها بیش از روستاهاست و در تهران که رواج آداب و عادات غربی بیش از شهرهای دیگر است، بیش از یک چهارم طلاق‌های ثبت شده سراسر کشور مربوط به تهران است؛ یعنی ۲۷ درصد طلاق‌های ثبت شده را تهران تشکیل می‌دهد، با اینکه نسبت جمعیت تهران به جمعیت سراسر کشور ۱۰ درصد است. به طور کلی، درصد طلاق در شهر تهران بیش از درصد ازدواج است. تعداد ازدواج تهران ۱۵ درصد کل ازدواج کشور است. طلاق عوارض تلخ و ناگواری را به دنبال دارد؛ عوارضی همچون سست شدن ارزش‌های مذهبی و فرهنگی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی، فشارهای عصبی و روانی، کاهش علائق و روابط انسانی و انحرافات و اعتیاد به مواد مخدر (صابری زفرقندی، ۱۳۸۷: ۴۰).

بچه‌هایی که خود فرزند طلاق هستند، چون از نظر شاخص‌های سلامت روان نمره خوبی به دست نیاورده‌اند. بیشتر از بقیه بچه‌ها مستعد طلاق هستند و چون ترس از طلاق دارند، ممکن است دیرتر ازدواج کنند یا اصلاً ازدواج نکنند. این مسئله باعث می‌شود که زندگی‌ها از هم پاشیده شود و فرزند بی‌وجود نیاید.

۳- پیامدهای منفی کاهش جمعیت ایران

۳-۱- پیامدهای فرهنگی کاهش جمعیت

کاهش جمعیت می‌تواند پیامدهای فرهنگی متعددی داشته باشد، از جمله:

- تغییر در ساختار سنی جامعه: کاهش جمعیت منجر به پیری جمعیت می‌شود. این امر می‌تواند منجر به تغییراتی در فرهنگ و ارزش‌های جامعه شود، زیرا افراد مسن ممکن است ارزش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به جوانان داشته باشند. این ادعا، به طور کلی، ممکن است صحت داشته باشد، اما دلایل و اثرات آن بسیار پیچیده هستند و باید با دقت بررسی شوند. اگر جمعیت یک کشور یا منطقه افرادی با سن بالاتر از میانگین داشته باشد، احتمال بروز پیری

جمعیت بیشتر است. این امر ممکن است به دلیل کاهش نرخ تولید و افزایش امید به زندگی باعث افزایش امید به زندگی و بالا رفتن امید به زندگی سالم در افراد سنین بالا شود. اگر نرخ تولید نسل‌های جدید کاهش یابد، می‌تواند منجر به پیری جمعیت شود. این امر معمولاً به دلیل تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. در کشورهای پیری که شرایط بهداشتی و درمانی بهبود یافته و امید به زندگی افراد افزایش پیدا کرده باشد، ممکن است نرخ مرگ و میر در سنین جوانی کاهش یابد و جمعیت به سمت پیری حرکت کند. اگر یک کشور یا منطقه نرخ مهاجرت مثبت داشته باشد و افراد جوانتر به آنجا مهاجرت کنند، این ممکن است از پیری جمعیت جلوگیری کند. به هر حال، تأثیرات این عوامل به شدت به شرایط خاص هر جامعه بستگی دارد. همچنین، استراتژی‌ها و سیاست‌های دولت‌ها نیز می‌توانند بر جلوگیری یا کنترل پیری جمعیت تأثیرگذار باشند (شادپور، ۱۳۸۹: ۶۴).

-از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها: کاهش جمعیت همچنین می‌تواند منجر به از بین رفتن خرده فرهنگها شود. خرده فرهنگ‌ها گروه‌هایی از مردم هستند که دارای ارزش‌ها، باورها و رفتارهای مشترکی هستند که آنها را از بقیه جامعه متمایز می‌کند. کاهش جمعیت می‌تواند منجر به کاهش تعداد افراد در این خرده فرهنگها شود و در نهایت منجر به از بین رفتن آنها شود. اگر نسل‌های جدید با تعداد کمتری از جمعیت مواجه شوند، فرهنگها و هویت‌های خرده ممکن است ضعیف شوند. جوانان معمولاً نقش اصلی در انتقال و حفظ فرهنگ دارند. در جوامع با کاهش جمعیت، افراد ممکن است به تعداد کمتری فرزند داشته باشند. این ممکن است منجر به تغییرات در ساختار خانواده و نحوه تربیت فرزندان شود. کاهش جمعیت می‌تواند به تغییر در نقش‌های جنسیتی منجر شود. به عنوان مثال، در جوامعی که بر اساس ترسیم خطوط نسلی فرهنگی و اجتماعی استوار هستند، کاهش جمعیت ممکن است تأثیرات منفی داشته باشد. با کاهش جمعیت و تبدیل به جوامع کمتر جمعیتی، امکان افزایش تأثیرات فرهنگی بین‌المللی و جذب فرهنگ‌های بیرونی وارد می‌شود که ممکن است منجر به از بین رفتن یا تغییر فرهنگ‌های محلی شود. هرچند که این اثرات ممکن است رخ دهند، اما نکته مهم این است که تأثیرات کاهش جمعیت به شدت به شرایط و ویژگی‌های هر جامعه بستگی دارد. همچنین، سیاست‌ها و تصمیمات دولت می‌توانند در جلوگیری یا مدیریت این اثرات تأثیرگذار باشند (صادقی، ۱۳۸۸: ۹۷).

-تغییر در ارزش‌های خانوادگی: کاهش جمعیت می‌تواند منجر به تغییر در ارزش‌های خانوادگی شود. به عنوان مثال، ممکن است ارزش‌های فرزندپروری تغییر کند، زیرا افراد کمتری برای مراقبت از فرزندان خود در دسترس هستند. اگر جمعیت کاهش یابد، فرهنگ و نگرش‌های مربوط به تعداد فرزندان ممکن است تغییر کند. افراد ممکن است کمتر نیاز به داشتن تعداد زیادی فرزند داشته باشند. اگر جمعیت کاهش یابد، نقش‌های جنسی ممکن است تغییر کند. به عنوان مثال، زنان ممکن است بیشتر در بازار کار حضور یابند و نقش مراقبت از فرزندان به افرادی که در دسترس هستند تغییر یابد. کاهش جمعیت می‌تواند به تغییر در ساختار اقتصادی و اجتماعی منجر شود. این تغییرات ممکن است بر نیازها و اولویت‌های خانوادگی تأثیر بگذارد. با کاهش جمعیت، افراد ممکن است تصمیم بگیرند که خانواده‌های کوچکتری داشته باشند یا اینکه به تناسب تعداد کمتری فرزند تربیت کنند. این تصمیمات می‌توانند به تغییرات در ساختار خانواده منجر شوند. اگر تعداد افراد سالمند افزایش یابد نسبت به جمعیت جوان، ممکن است نگرش‌ها نسبت به پیراهنگی و نیازهای این افراد نیز تغییر کند. هرچند که این تغییرات ممکن است رخ دهند، اما باید

توجه داشت که تأثیرات بسیار پیچیده و وابسته به شرایط محلی و فرهنگی هر جامعه هستند. همچنین، سیاست‌ها و تصمیمات دولت نیز می‌توانند در جهت مدیریت و تنظیم این تغییرات تأثیرگذار باشند (فرح دوست، ۱۳۸۸: ۵۷).

-تغییر در فرهنگ مصرفی: کاهش جمعیت می‌تواند منجر به تغییر در فرهنگ مصرفی شود. به عنوان مثال، ممکن است تقاضا برای کالاها و خدمات کاهش یابد، زیرا تعداد افراد کمتری وجود دارد که این کالاها و خدمات را خریداری کنند. با کاهش جمعیت، تقاضا برای برخی کالاها و خدمات ممکن است کاهش یابد. این امر می‌تواند به کاهش تولید و فعالیت اقتصادی در برخی صناعات منجر شود. خانوارها ممکن است به دلیل تغییرات در نیازها و شرایط مالی خود، به الگوهای مصرف خود تغییر دهند. این تغییر می‌تواند به سمت مصرف کمتر و انتخاب‌های مصرفی متفاوت منجر شود. صنایع مختلف به شدت به تقاضای بازار و فعالیت اقتصادی وابسته‌اند. کاهش جمعیت می‌تواند به تأثیرات مختلف در صنایع مختلف منجر شود، به خصوص در صنایعی که به مقدار تولید و فروش بالا وابسته هستند. با کاهش جمعیت، بازار کار نیز ممکن است تغییراتی را تجربه کند. کمترین تقاضا برای نیروی کار ممکن است به افزایش رقابت در بازار کار و تغییر در شرایط استخدام منجر شود. تغییرات در تقاضا و بازار ممکن است تأثیرات بر تولید و فناوری داشته باشد. صنایع ممکن است نیاز به تطبیق با شرایط جدید داشته باشند. هرچند که این تغییرات ممکن است رخ دهند، اما لازم است توجه داشت که تأثیرات نهایی به شدت به شرایط خاص هر جامعه، اقتصاد و فرهنگ بستگی دارد. سیاست‌های دولت و تصمیمات اقتصادی نیز می‌توانند در مدیریت و تنظیم این تغییرات تأثیرگذار باشند (امانی، ۱۳۹۹: ۳۶-۳۷).

-تغییر در فرهنگ رسانه‌ای: کاهش جمعیت می‌تواند منجر به تغییر در فرهنگ رسانه‌ای شود. به عنوان مثال، ممکن است تقاضا برای محتوای رسانه‌ای کاهش یابد، زیرا تعداد افراد کمتری وجود دارد که این محتوا را مصرف کنند. با کاهش جمعیت، تقاضا برای بعضی از محتواها ممکن است کاهش یابد. این می‌تواند به تغییر در اولویت‌ها و موضوعات محتواها منجر شود. با کاهش جمعیت، بازار تبلیغاتی نیز تغییر می‌کند. شرکت‌ها ممکن است نیاز به تعداد کمتری تبلیغ داشته باشند یا به راهکارهای خلاقانه‌تری برای جلب توجه مخاطبان روی آورند. با کاهش جمعیت، نیازها و سلیقه‌های مخاطبان نیز ممکن است تغییر یابد. رسانه‌ها باید توانایی تطبیق با این تغییرات را داشته باشند تا جذب مخاطبان بتوانند. محتواها و برنامه‌های رسانه‌ای ممکن است به شدت تحت تأثیر قرار گیرند. ممکن است نیاز به تولید محتواهای متنوع و تنوع‌زا باشد تا بتواند به افراد مختلفی که هنوز در بازار هستند، جلب توجه کند. اگر جمعیت کاهش یابد، ممکن است افراد به عنوان جزئی از جامعه به رویکردها و ارزش‌های جدیدی برخورد کنند. رسانه‌ها نیز ممکن است نقش مهمی در شکل‌دهی به این رویکردها داشته باشند. تغییرات در فرهنگ رسانه‌ای ممکن است بسیار پیچیده باشند و به شدت به شرایط خاص هر جامعه و زمان بستگی داشته باشند. عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و فناورانه همگی نقش مهمی در این تغییرات ایفا می‌کنند (جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۴۱-۴۲).

این‌ها تنها برخی از پیامدهای فرهنگی کاهش جمعیت هستند. پیامدهای خاص کاهش جمعیت در هر جامعه به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله نرخ کاهش جمعیت، ساختار جمعیتی جامعه و فرهنگ آن جامعه.

۲-۳- پیامدهای اجتماعی کاهش جمعیت

کاهش جمعیت، به معنای کاهش تعداد افراد یک جامعه در یک بازه زمانی مشخص، می‌تواند پیامدهای اجتماعی مختلفی را به همراه داشته باشد. برخی از مهم‌ترین این پیامدها عبارتند از:

- پیری جمعیت: کاهش جمعیت، به ویژه اگر همراه با افزایش امید به زندگی باشد، می‌تواند منجر به پیری جمعیت شود. این امر می‌تواند مشکلات مختلفی را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند. به عنوان مثال، کاهش نیروی کار فعال می‌تواند منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی و افزایش هزینه‌های بازنشستگی شود. همچنین، افزایش جمعیت سالخورده می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و اجتماعی شود.

- تغییر ساختار سنی جمعیت: کاهش جمعیت می‌تواند منجر به تغییر ساختار سنی جمعیت شود. به عنوان مثال، کاهش تعداد افراد در سن کار و افزایش تعداد افراد در سن بازنشستگی می‌تواند منجر به تغییر نسبت نیروی کار به جمعیت غیرفعال شود. این امر می‌تواند مشکلات مختلفی را در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد کند. به عنوان مثال، کاهش نسبت نیروی کار به جمعیت غیرفعال می‌تواند منجر به کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری شود.

- تغییر در ترکیب جمعیت: کاهش جمعیت می‌تواند منجر به تغییر در ترکیب جمعیت شود. به عنوان مثال، کاهش تعداد مهاجران می‌تواند منجر به کاهش تنوع جمعیتی شود. این امر می‌تواند مشکلات مختلفی را در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند. به عنوان مثال، کاهش تنوع جمعیتی می‌تواند منجر به کاهش نوآوری و خلاقیت شود.

- تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی: کاهش جمعیت می‌تواند منجر به تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی شود. به عنوان مثال، کاهش تعداد خانواده‌های پرجمعیت می‌تواند منجر به تغییر در نگرش‌ها نسبت به ازدواج و فرزندآوری شود. این امر می‌تواند مشکلات مختلفی را در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند. به عنوان مثال، کاهش تعداد خانواده‌های پرجمعیت می‌تواند منجر به کاهش پیوندهای خانوادگی و اجتماعی شود (زارع، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷).

برخی از این پیامدها، مانند پیری جمعیت، می‌توانند پیامدهای منفی داشته باشند. با این حال، برخی دیگر از این پیامدها، مانند تغییر در ترکیب جمعیت، می‌توانند پیامدهای مثبت نیز داشته باشند. به عنوان مثال، کاهش تعداد مهاجران می‌تواند منجر به کاهش جرم و جنایت شود. در نهایت، پیامدهای اجتماعی کاهش جمعیت به عوامل مختلفی، مانند سرعت کاهش جمعیت، ساختار سنی جمعیت و ترکیب جمعیتی، بستگی دارد.

۳-۳- پیامدهای اقتصادی کاهش جمعیت

کاهش جمعیت به معنای کاهش تعداد افراد در یک جامعه است. این می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله کاهش باروری، افزایش مرگ و میر و مهاجرت رخ دهد. کاهش جمعیت می‌تواند پیامدهای اقتصادی مختلفی داشته باشد، از جمله:

- کاهش نیروی کار: نیروی کار جمعیتی از افراد شاغل تشکیل شده است. کاهش جمعیت منجر به کاهش نیروی کار می‌شود که می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. با کاهش جمعیت، تعداد افراد در نیروی کار کاهش می‌یابد. این ممکن است منجر به کاهش توان تولیدی و افزایش نرخ بیکاری شود. با کاهش تعداد افراد در بازار کار، هزینه‌های نیروی کار ممکن است افزایش یابد. این امر به دلیل رقابت کمتر بین کارفرماها برای جذب نیروی کار و افزایش نرخ حقوق ممکن است باشد. کاهش تعداد افراد در بازار کار ممکن است به کاهش درآمد و قدرت خرید جامعه منجر

شود. این امر می‌تواند تأثیرات منفی بر فروش و تقاضای بازار داشته باشد. با کاهش نیروی کار، توان تولیدی جامعه کاهش می‌یابد که ممکن است به کاهش توانمندی برای تولید کالاها و ارائه خدمات منجر شود. با کاهش جمعیت، ممکن است ساختار سنی نیروی کار تغییر کند و نسبت سنی بالاتر باعث افزایش نیاز به مراقبت و خدمات به سالمندان شود. برخی از راهکارها برای مدیریت این چالش‌ها شامل سیاست‌های تربیتی، ترویج بهره‌وری نیروی کار، اصلاحات در بازار کار، و افزایش مشارکت زنان در بازار کار می‌شوند. همچنین، مهاجرت و به‌کارگیری فناوری‌های نوین نیز می‌تواند در مدیریت این تحولات تأثیرگذار باشد (فولادی، ۱۳۹۹: ۵۱)

-افزایش هزینه‌های بازنشستگی: بازنشستگی یک سیستم اجتماعی است که به افراد مسن برای تأمین مالی زندگی در دوران بازنشستگی کمک می‌کند. کاهش جمعیت منجر به افزایش تعداد افراد بازنشسته و کاهش تعداد افراد شاغل می‌شود که می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های بازنشستگی شود. افزایش تعداد افراد بازنشسته در مقابل کاهش تعداد افراد شاغل می‌تواند به افزایش هزینه‌های سیستم بازنشستگی منجر شود. این امر به دلیل نیاز به پرداخت پس اندازهای بازنشستگی و همچنین هزینه‌های درمان و خدمات بهداشتی مرتبط با افراد مسن است. با افزایش تعداد افراد بازنشسته و کاهش تعداد افراد شاغل، درآمد سیستم بازنشستگی ممکن است کاهش یابد. این ممکن است به مشکلات مالی و نیاز به تصمیمات سیاستی جدید منجر شود. با توجه به تحولات جمعیتی، سیاست‌های بازنشستگی نیاز به تغییر و به‌روزرسانی دارند. این ممکن است شامل افزایش سن بازنشستگی، تغییر در سیستم پرداخت بازنشستگی، یا تشویق به ادامه فعالیت‌های اقتصادی در سنین پایین‌تر باشد. افزایش تعداد افراد بازنشسته و کاهش نیروی کار فعال می‌تواند به تغییرات در تقاضا، تولید و ساختار اقتصاد کلان منجر شود (ترکاشوند و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۱).

-کاهش مصرف: مصرف توسط افراد انجام می‌شود. کاهش جمعیت منجر به کاهش مصرف می‌شود که می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. با کاهش جمعیت، تقاضا برای کالاها و خدمات ممکن است کاهش یابد. این ممکن است به کاهش تولید و افزایش نرخ بیکاری منجر شود. کاهش مصرف ممکن است به کاهش فعالیت اقتصادی در برخی صناعات و بخش‌ها منجر شود. این امر می‌تواند به افت هزینه‌ها، سودآوری و اشتغال در برخی صناعات انجام پذیرد. کاهش مصرف ممکن است به کاهش تولید و نیاز به نیروی کار منجر شود. این امر ممکن است تأثیرات منفی بر اقتصاد کلان، اشتغال و رفاه جامعه داشته باشد. با کاهش تقاضا و فعالیت اقتصادی، برخی از کسب و کارها ممکن است با مشکلات توانمندی و رقابتی مواجه شوند. کاهش مصرف ممکن است به تغییر در ساختار اقتصادی و اولویت‌های صنایع منجر شود. صنایع ممکن است نیاز به تطبیق با شرایط جدید داشته باشند. تأثیرات نهایی این کاهش مصرف بستگی به میزان و چگونگی تعداد جمعیت، نحوه توزیع درآمد، و سیاست‌های دولتی دارد. همچنین، استفاده از فناوری، توسعه سبک‌های مصرف پایدارتر، و ترشیون‌های سیاستی می‌توانند به مدیریت بهتر این چالش‌ها کمک کنند. -افزایش قیمت دارایی‌ها: دارایی‌ها مانند خانه‌ها، زمین و سهام توسط افراد خریداری می‌شوند. کاهش جمعیت منجر به کاهش تقاضا برای دارایی‌ها می‌شود که می‌تواند منجر به کاهش قیمت آنها شود.

نتیجه‌گیری

کاهش جمعیت به معنای کاهش تعداد افراد در یک جامعه است. این می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله کاهش باروری، افزایش مرگ و میر و مهاجرت رخ دهد. کاهش جمعیت می‌تواند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست

محیطی مختلفی داشته باشد. کاهش جمعیت می تواند پیامدهای اقتصادی مختلفی داشته باشد، از جمله کاهش نیروی کار، افزایش هزینه های بازنشستگی، کاهش مصرف و افزایش قیمت دارایی ها هستند. همچنین، کاهش جمعیت می تواند پیامدهای اجتماعی مختلفی داشته باشد، از جمله پیری جمعیت، تغییر در ساختار خانواده، تغییر در فرهنگ و ارزشها و... در پی داشته باشد. در راستای جلوگیری از کاهش جمعیت می توان پیشنهادهایی به قرار زیر ارائه نمود:

-تشویق به فرزندآوری: دولت ها می توانند با ارائه مشوق های مالی، اجتماعی و فرهنگی، به تشویق به فرزندآوری بپردازند.

-تغییر در سیستم بازنشستگی: دولت ها می توانند با اصلاح سیستم بازنشستگی، به سازگاری با جمعیت سالخورده تر کمک کنند.

-افزایش سرمایه گذاری در فناوری: دولت ها می توانند با سرمایه گذاری در فناوری، به افزایش بهره وری و کاهش تقاضا برای نیروی کار کمک کنند.

منابع

- امانی، مهدی (۱۳۹۹)، مبانی جمعیت شناسی، تهران: سمت.
- امیری، ابوالفضل (۱۴۰۱). نفوذ و بحران جمعیتی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دو دهه اخیر. فصلنامه مدیریت بحران و وضعیتهای اضطراری، سال ۱۴، شماره ۲.
- ترکاشوند، محمد؛ شمس، فریده و زندی، لیلا (۱۴۰۱). تغییرات جمعیتی ایران و پیامدهای امنیتی آن در آینده، دو فصلنامه مطالعات توسعه اقتصادی اجتماعی، سال ۱، شماره ۱.
- جهان فر، محمد (۱۳۹۷)، جمعیت شناسی ایران، تهران: دانشگاه پیام نور.
- حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۳۷۵)، کاهش جمعیت، ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، مشهد: علامه طباطبایی.
- دلاورپور، مصطفی (۱۳۸۸). مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. گزارش شماره مسلسل: ۱۲۱۶۱.
- زارع، بیژن (۱۳۸۹)، مبانی جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- سالاری مقدم، مریم (۱۳۹۰)، مادران شاغل و تربیت فرزند، پایان نامه سطح ۲، مشهد: مؤسسه علمی-پژوهشی مکتب نرجس.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۱)، الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، قم: امام صادق (ع).
- شادپور، کامل (۱۳۸۹)، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- صابری زفرقندی، احمد (۱۳۸۷)، علل و عوامل طلاق در جامعه ایران و اثر آن در کودکان و نوجوانان، تهران: رایحه یاس.
- صادقی، رسول (۱۳۸۸)، جمعیت و توسعه: ابعاد و چالش ها، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیت آسیا و اقیانوسیه.
- علی محمدی، مجید (۱۳۹۵). تنش و تهدید ایران و جمهوری آذربایجان. فصلنامه مطالعات سیاسی روز، سال ۱۰، شماره ۴۰.
- فتحی، الهام (۱۳۹۹). نگاهی به گذشته، حال و آینده جمعیت ایران. گزارش تحلیلی، شماره ۲۰.
- فرح دوست، فرشته (۱۳۸۸)، نگاهی بر وضعیت خانواده با رویکرد فمینیسم، تهران: انتشارات نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها.
- فولادی، محمد (۱۳۹۹)، تأملی در سیاست کنترل جمعیت؛ آثار و پیامدهای آن، مجله فرهنگ معرفت اجتماعی، شماره ۱.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ هـ)، اصول کافی، مصحح علی اکبر عقاری، بیروت: دارالاضواء.

محمدی، باقر؛ افضلی، محمدعلی و غلامی. شیرزاد(۱۳۹۳). کاهش جمعیت و تأثیر آن بر سلامت فرد و خانواده از دیدگاه اسلام.
دین و سیاست، دوره ۲، شماره ۲.
مشفق، محمود (۱۳۹۳)، لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و
اقیانوسیه.

Negative Consequences of Population Decline in Iran Until 1410 with Emphasis on Economic Rights

Hosein Shafaghi¹, Milad Moradi², Asghar Imani³

Abstract:

The aim of the present research is to examine and identify the negative consequences of population decline in Iran until the year 1410. Population decline is one of the most significant challenges facing Iran in the coming years. According to projections, Iran's population is expected to reach approximately 70 million by the year 1410. This population decline will have various negative consequences for the economic rights of Iranian society. Accordingly, the main question addressed in this research is: What negative consequences will result from the population decline in Iran until 1410? The findings indicate that the country's population decline until 1410 will have various negative social and economic consequences. The reduction in the youth population implies a decrease in human resources for the country's future. The youth population, aged between 15 and 24, constitutes the primary human resource for the country's future. With a decline in the youth population, the country's defense and security capabilities diminish. Additionally, the reduction in the youth population can negatively impact the culture and national identity of the country. Changes in population structure can have adverse effects on the culture and national identity. The elderly population has different needs and desires compared to the younger population, potentially leading to a generation gap. To mitigate the negative consequences of population decline, appropriate population policies must be adopted, taking into account the country's conditions and needs.

Keywords: Population decline, Negative consequences, Social, Economic.

∧ A master's student in the field of public law at Edalat University (Author)

‡ A master's student in the field of public law at Edalat University

‡ Professor of Law Department of Edalat University